

علت بلاها و مصیبت ها چیست؟



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و اهل بيته الطاهرين

یکی از مسایل خیلی مهم برای انسان، بلاها و مصیبت هایی که گهگاهی برای آدمی پیش می آید و انسان را ناراحت و نگران می نماید.

بلاها دو نوع هستند. فردی و اجتماعی

بلای فردی و بلای اجتماعی

بلای فردی یعنی تقریبا هیچ انسانی در کره زمین نیست مگر اینکه در دوران زندگیش با بلاهای مختلفی مانند بیماری، مصیبت از دست دادن نزدیکان، ترس و هراس از دشمنان، بی پولی و فقر و دیگر بلاها روبرو میشود.

بلاهای اجتماعی مانند زلزله و سیل و جنگ و طاعون و کرونا و وبا و تورم و قحطی و امثال آن.

از نظر اسلام علت این بلاها چیست؟ و آیا برای جلوگیری از این بلاها راه حلی وجود دارد؟

در این کتاب پیرامون این دو سوال مطالب متنوعی عرضه می گردد.

تابستان 1402. کرمانشاه

## علت واقعی مصیبت ها و بلاها گناهان انسان است.....

علی علیه السلام در تفسیر آیه: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ». فرمود: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی، به واسطه گناه است. حتی خراش برداشتن بدن، زمین خوردن و مصیبت‌های دیگر نیز عاملش خود انسان است.<sup>۲</sup>

توضیح: خداوند مهربان خیر مطلق است و از او هیچ بدی و شری صادر نمیشود. لذا طبق آیات قران و روایات، علت اصلی بلاها و مصیبت‌ها، خود گناهان ما انسان هاست تازه خداوند مهربان از اکثر گناهان ما می گذرد و عفو می کند و مشکلی برای ما پدید نمی آید ولی بعضی از گناهان تبدیل به مصیبت و مشکل می گردند که در داستانهای واقعی که می اوریم این مطلب مشخص می گردد. پس مواظب باشیم که هر گناهی که می کنیم احتمال دارد بعدش دچار مصیبتی بشویم!!! البته این ایه شامل پیامبران و امامان نمیشود همانگونه

در ماجرای اسارت امام سجاد(ع) و بازماندگان شهدای کربلا آمده، هنگامی که آنها را به شام بردند، وقتی یزید امام سجاد(ع) را دید این آیه را خواند و با آن حضرت تطبیق کرد: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»، آنچه از مصائب دامن گیر شما می شود برای اعمالی است که انجام داده اید و خداوند بسیاری از آنها را می بخشد.» (شوری: 30) یزید می خواست بگوید شما مشمول این آیه هستید.

امام سجاد(ع) فرمود: بلکه آیه ما، این آیه است که درباره ما نازل شده است: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ؛ هیچ گرفتاری در زمین و آسمان و در وجود

<sup>۱</sup>سوره شوری، آیه 30.

<sup>۲</sup>میزان الحکمه - مستدرک الوسائل 11/325

خودتان نرسد، مگر اینکه پیش از این در لوح محفوظ و پیش از آنکه پدید آید، نوشته شده و این بر خدا آسان است تا بر آنچه از شما پیش تر فوت شد غمگین نشوید و به آنچه خدا به شما داد، شاد نگردید.» (حدید: 22 - 23) ما از کسانی هستیم که از آنچه از ما در گذشته درباره دنیا از دست رفته، ناراحت نیستیم و به آنچه به ما داده شده، شاد نمی باشیم. به این ترتیب امام سجاد(ع) پاسخ دندان شکنی به یزید داد.<sup>3</sup>

---

در رابطه با علت واقعی بلاهای مردم عادی به چند داستان واقعی اشاره می شود:

مغازه داری از کم شدن مشتری هایش نزد شیخ عارفی شکوه می کرد. شیخ صاحب کرامت به او گفت خودت مقصری. چند روز قبل سیدی که نسیه برده بود را از مغازه ات بیرون کردی و این کار برایت مشکل ایجاد کرده. او هم سراغ سید رفت از او عذرخواهی کرد.

ماموری در زمان طاغوت در قسمت اداری سازمانی مهم پرونده ای را گم کرده بود و نزدیک بود که بلایی سرش بیاید. شیخ گفت که بیش از یکسال است به خواهرت که شوهرش مرده است سرزدی! او هم مقداری میوه و پول تهیه کرد و به خانه خواهرش رفت و او را خوشحال کرد. روز بعد وقتی به محل پرونده ها مراجعه کرد پرونده مذکور را زود پیدا نمود.

خانمی بچه خود را بخاطر نجس کردن آنقدر زده بود که نزدیک بود نفس بچه قطع شود! بعد از یکساعت خانم مذکور تب کرد. او را به بیمارستان بردند و پول زیادی خرج کردند ولی مؤثر واقع نشد. دوباره او را دکتر بردند باز هم تاثیری نکرد. شیخ گفت که

---

1. نور الثقلین، ج 4، ص 580؛ داستان ها و پندها، ص 110.<sup>3</sup>

استغفار کند و بچه را از خود راضی نماید و چیزی برایش بخرد . مادر این کار را کرد و تب قطع شد .

قصابی بچه گاوی را مقابل مادرش ذبح کرده بود پسر قصاب تصادف کرد و از دنیا رفت! رئیس اداره ای بیماری پوستی گرفته بود چون کارمند سید خود را جلو دیگران ضایع کرده بود...

شخصی در زمان امیرالمومنین علیه السلام دچار عقرب گزیدگی شد. امام فرمود چون در حضور تو از سلمان بدگویی کردند و تو از سلمان دفاع نکردی...

شخصی در زمان امیرالمومنین علیه السلام خواست روی سنگی بنشیند که زمین خورد و سرش شکست امام فرمود چون بسم الله نگفتی

.اقایی دچار مشکل بزرگی شد چون ارث خواهرش را نداده بود

اقایی می گفت پسر من زیر تراکتور رفت و مرد و ماشینم در سفر خراب شد و... چون خمس نداده بود..

.در روایات علت زلزله را زیاد شدن زنا دانسته است

.عارفی نماز صبحش قضا شد عصر همان روز پسرش مرد

حسن بن مسلم زمین مسجد جمکران را قبل از بنای مسجد غصب کرده بود دوتا فرزندش ...از دنیا رفتند

عابدی در مقابلش مرغی را با شکنجه کشتند و او جلوگیری نکرد لذا زمین دهان باز کرد  
و او را فرو برد

اقایی سی سال خدمتکار خود را می فرستاد منزل برای بردن اب به خانه اش و رفع نیازهای  
منزل. و به این فرد اطمینان داشت اما یکروز این خدمتکار وقتی برای بردن اب منزل  
صاحبش رفت زن صاحبخانه را بوسید چون همانروز صاحبخانه خانمی نامحرم را بوسید!  
درباره گرفتاری یونس (ع) در شکم نهنگ هم آمده چون درباره جایگاه و مقام اهل  
..بیت (ع) جواب درستی نداد....

### داستان جریح عابد!

نفرین مادر

امام محمد باقر (ع) نقل می فرماید

در میان بنی اسرائیل، عابدی به نام جریح بود. او همواره در صومعه ای به عبادت می  
.پرداخت

روزی مادرش نزد وی آمد و او را صدا زد، او چون مشغول عبادت بود به مادرش پاسخ  
نداد، مادر به خانه اش بازگشت. بار دیگر پس از ساعتی به صومعه آمد و جریح را صدا  
زد، باز جریح به مادر اعتنا نکرد. برای بار سوم باز مادر آمد و او را صدا زد و جوابی نشنید.  
از این رفتار فرزند دل مادر شکست و او را نفرین کرد. فردای همان روز، زن فاحشه ای که

حامله بود نزد او آمد و همان جا درد زایمانش گرفت و بچه ای را به دنیا آورده و نزد جریح گذاشت و ادعا کرد که آن بچه فرزند نامشروع این عابد است. این موضوع شایع شد و سر زبان ها افتاد. مردم به یکدیگر می گفتند: کسی که مردم را از زنا نهی می کرد و سرزنش می نمود، اکنون خودش زنا کرده است.

ماجرا به گوش شاه وقت رسید که عابد زنا کرده است. شاه فرمان اعدام عابد را صادر کرد. در آن هنگام که مردم برای اعدام عابد جمع شده بودند، مادرش آمد و وقتی او را آن گونه رسوا دید، از شدت ناراحتی به صورت خود زد و گریه کرد. جریح به مادر رو کرد و گفت: - مادرم ساکت باش! نفرین تو مرا به اینجا کشانده است، و گرنه من بی گناه هستم.

وقتی که مردم این سخن را از جریح شنیدند به عابد گفتند  
ما از تو نمی پذیریم، مگر اینکه ثابت کنی این نسبتی که به تو می دهند دروغ است -  
عابد (که در این هنگام مادرش دیگر از او نارضایتی نداشت) گفت: - طفلی را که به من نسبت می دهند، پیش من بیاورید

طفلی را که به من نسبت می دهند، پیش من بیاورید  
طفل را آوردند و او با زبان واضح گفت: - پدرم فلان چوپان است

به این ترتیب، پس از رضایت مادر، خداوند آبروی از دست رفته عابد را بازگردانید، و  
تهمت هایی که مردم به جریح می زدند برطرف شد.  
پس از آن، جریح سوگند یاد کرد که هیچ گاه مادر را از خود ناراضی نکند و همواره در  
خدمت او باشد....

گناهانی هستند که اگر انسان انجام دهد عاقبت به شر می شود مانند حرام خواری. ظلم به  
دیگران. عاق والدین. اهانت به علما. دشمنی با اهل بیت و سادات.

#### شکایت از فقر

«محمد بن حسن» می گوید: نامه ای به امام عسکری - علیه السلام - نوشتم و از فقر  
و تنگدستی شکوه کردم، ولی بعداً پیش خود گفتم: مگر امام صادق - علیه السلام -  
نفرموده که: فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است، و کشته شدن با ما بهتر از زنده  
ماندن با دشمنان ما است.  
امام در پاسخ نوشت:

هرگاه گناهان دوستان ما زیاد شود، خداوند آنها را به فقر گرفتار می کند و گاهی از  
بسیاری از گناهان آنان در می گذرد. همچنان که پیش خود گفته ای، فقر با ما بهتر  
از توانگری با دیگران است. ما برای کسانی که به ما پناهنده شوند، پناهگاهیم، و برای  
کسانی که از ما هدایت بجویند، نوریم. ما نگهدار کسانی هستیم که (برای نجات از  
گمراهی) به ما متوسل می شوند. هر کس ما را دوست بدارد، در رتبه بلند (تقرّب به  
خدا) با ماست، و کسی که پیرو راه ما نباشد، به سوی آتش خواهد رفت<sup>۴</sup>

## انواع بلاهای فردی:

بیماری های صعب العلاج مانند سرطان....

بی پولی و فقر و نداری

همسر شرور و اذیت کن (عالمی می گفت من در خانه یک گرگ دارم)

فرزند شرور و خیلی بد

فرزند معلول

همسایه مردم ازار

نزاع های دسته جمعی که منجر به کوچ مردم میشود

همکار خبیث و دو رو

رئیس اذیت کن (یکی از بستگان که مسئول اداره ای بود و سرطان گرفت. وقتی از

او علت این مشکل را پرسیدم گفت با رئیسمرتب اصطکاک داشتم و همیشه فکرم  
اشفته بود.)

فوت عزیزان

دزدیده شدن اموال و اثاث خانه

تصادفات و قطع اعضاء بدن (جانبازی قطع نخاع و ویلچری بود و خانمش به او کمک  
می کرد اما جانباز تصادف کرد و خانمش هم قطع نخاع شد)

(حاج اقایی تصادف کرد و هر دو پایش را بریدند)

(مادر مومنه ای بر اثر دیابت نابینا شد)

(عالمی بر اثر سکته، دهانش کج شد)

(دختری بر اثر اسیدپاشی صورتش از بین رفت)

(دختری چون خانواده اش مخالف ازدواجش با پسری بودند همه خانواده را کشت)

و.....

**همه امتحان می شوند....**

یکی از سنت های تغییر ناپذیر خداوند این است که همه افراد باید امتحان بشوند. و کسی استثناء نمی شود. پیامبرانی چون ایوب نبی امتحان سختی شدند بطوری که در یکشب ساختمان بر سر دوازده پسرش خراب شد و همگی مردند و...

یکی از اقایان که پسرش از دنیا رفت خیلی ناراحت بود. گفت من از خدا خواسته بودم امتحانم نکند!

**عرض کردم بدون امتحان انسان به کمال نمی رسد. حتما باید امتحان بشویم.**

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

الصَّابِرِينَ ﴿بقره ۱۵۵﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مژده ده شکیبایان را (۱۵۵)

**پیامبر خدا فرمود هیچ پیامبری باندازه من دچار بلا نشد.**

طبق قول مشهور پیامبر شش تا فرزند که دو تا پسر و چهار تا دختر بودند، داشتند که پنج تای آنها قبل از پیامبر از دنیا رفتند و حضرت زهرا باقی ماندند که ان حضرت هم

75 یا 95 روز بعد از پیامبر، بشهادت رسیدند. و خود پیامبر عزیزمان فرمودند بلاهایی که بر من وارد شد از همه پیامبران بیشتر بوده است

خداوند حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را با صبر امتحان نمود و حضرتش بخوبی از این امتحان الهی پیروز بیرون آمدند

خود حضرت فاطمه فرمودند

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

که اگر بلاهایی که بر من وارد شد بر روزها وارد میشد، روزها شب می شدند

امیرالمومنین(ع) در باره بیست و پنج سال خانه نشینی بعد رحلت پیامبر اسلام فرمود

فصبرت و فی العین قذی، و فی الحلق شجا،

در این مدت صبر کردم در حالی که مانند خار در چشم و استخوان در گلو بود،

یکی از بلاهای حضرت نوح درباره همسر کافرش است. در این رابطه آمده است:

روزی جمعی از مردم به خاطر نیامدن باران که قحطی به همراه داشت، تصمیم [؟]

گرفتند نزد حضرت نوح(ع) بروند و از او بخواهند دعا کند تا بلکه باران ببارد، وقتی

به در خانه رسیدند، در را زدند، زن نوح(ع) از خانه بیرون آمد

. آنها گفتند: نوح کجاست؟ ما آمده ایم از او بخواهیم دعا کند تا باران ببارد

زن گفت: اگر دعای نوح مستجاب می‌شد، برای خود ما دعا می‌کرد که وضع زندگیمان خوب شود. او اکنون به بیابان رفته تا هیزم جمع کند و بفروشد و آن چنان مقامی هم ندارد که دعایش مستجاب گردد.

آنها به بیابان رفتند، ناگهان دیدند که نوح هیزم به پشت گرفته به آن حضرت گفتند دعا کن تا باران بیاید، قحطی همه جا را گرفته است. نوح(ع) دعا کرد و باران آمد. آنها به نوح(ع) گفتند

تو که این گونه مستجاب الدعوه هستی چرا در مورد زن خودت نفرین نمی‌کنی که مثلاً از خانه‌ات بیرون رود و مجازات شود و پشت سرت بدگویی نکند

حضرت نوح(ع) در پاسخ فرمود: ارزش و ثواب تحمل و صبر با چنین زنی، بهتر از آن است که با نفرین، او را به مجازات برسانم!<sup>۵</sup>

?

بلاهای امام حسین علیه السلام از همه اولیاء خدا بیشتر بوده است. مخصوصاً شهادت علی اکبر که شاعر زبانحال امام حسین علیه السلام وقتی علی اکبر را روانه میدان کرد اینگونه بیان کرده است:

---

قصه‌های قرآن، درودگر، ص ۱۶ | کیهان<sup>۵</sup>

گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم

نفس شمرده زدم مهرهت پیاده دویدم

محاسنم به کف دست بود و اشک به چشمم

گاهی به خاک فتادم گهی ز جای پریدم

دلیم به پیش تو، جان در فغان دیده به قامت

خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم

هنوز العطشت میزد آتشم که زمیدان

صدای یا ابتای تو را دوباره شنیدم

پسرم! نه تیغ شمر مرا می کشد نه نیزه خولی

زمانه کشت مرا لحظه ای که داغ تو دیدم

امیر مومنان (ع) درباره حتمی بودن بلا برای انسان در خطبه 16 می فرماید:

و الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلِلُنَّ بَلْبَلَةً وَ لَتُغْرِبُنَّ غَرْبَةً وَ لَتُسَاطُنَّ سَوَاطِنَ الْقَدْرِ

سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمیخته و غربال می شوید تا صالح از فاسد جدا گردد. یا همانند دانه هایی که در دیگ می ریزند، تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند.

توضیح:

انسان ها الک و غربال میشوند و در هنگام بلا، افراد مومن از غیر مومن جدا میشوند.

## وظیفه انسان در هنگام نزول بلاها چیست؟

اولین وظیفه در هنگام مصیبت ها، صبر است. اصلاً بلا نازل میشود تا صبر انسان مشخص شود.

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره 165-166)

به صابرین بشارت بده. آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش گرفته و) گویند: ما به فرمان خدا آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد.

## در روایت آمده:

پیامبر اکرم (ص) به این مضمون فرمود: خدای متعال می فرماید: هرگاه بنده ای از بندگان خود را بوسیله مصیبتی در جسم اش یا در مالش یا در فرزندش مورد امتحال قرار بدهم و او در برابر این مصیبت صبر و بردباری نماید و شکوه و گلایه نکند، من حیا می کنم از اینکه در روز قیامت او را مورد محاسبه قرار دهم و نامه اعمال او را بگشایم

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که مصیبت و بلایی به شخصی روی آورد و او در برابر آن صبر و بردباری نماید و او از خدای متعال در قبال آن اجر و ثواب دریافت می دارد، چنین امری را نباید مصیبت بشمار آورد. بلکه مصیبت واقعی آن است که

شخص در مقابل مصیبتی صبر و بردباری ننماید و بدینوسیله اجر و ثواب خود را ضایع سازد.

روایت شده است که صلت بن اشم در جهادی بود و پسر همراه داشت او را گفت : ای پسر ک من !به پیش شو و جهاد کن تا ثواب صبر و احتساب را از شهادت تو در یابیم . پسر پیش رفت و جنگ کرد و کشته شد. زنان نزد مادرش معاذه عدویه زوجه او فراهم شدند، گفت : اگر برای تو تهنیت نزد من مرحبا بر شما باد و اگر برای تعزیت آمده اید باز گردید

امام صادق علیه السلام می فرماید: «روزی خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که نزد زنی به نام خلّاده دختر اوس برود و به او بشارت بدهد که او اهل بهشت و هم نشین تو در بهشت خواهد بود

حضرت داوود علیه السلام به خانه خلّاده رفت و در خانه اش را کوید. خلّاده بیرون آمد و عرض کرد: چه شده است که تو را اینجا می بینم؟ داوود علیه السلام فرمود: «خداى تعالى به من وحى کرد که تو هم نشین من در بهشت خواهی بود.» خلّاده گفت: ای پیامبر خدا! سخن شما را تکذیب نمی کنم، ولی به خدا سوگند، در وجود خود چنین سعادتى نمی بینم. حضرت داوود (علیه السلام) فرمود: از درونت خبر بده که در آن چه می گذرد؟ خلّاده گفت: هرگز به هیچ دردی مبتلا نشدم و هیچ گزند و گرسنگی به من نرسید، مگر اینکه در برابرش صبر کردم و از خداوند نخواستیم که آن را از من برطرف سازد تا آنکه او اگر خواست، آن را از من دور کند و عافیت و گشایش دهد و به جای آن، خدا را بر آن درد و گرفتاری، شکر و سپاس گفتم. حضرت داود علیه السلام فرمود: «فَبِهَذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ؛ پس بدین سبب، به این مقام

رسیده ای.» سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «و هذا دينُ الله ارتضاهُ للصالحين؛  
«این همان دین خداست که برای بندگان صالح و نیکوکار خود برگزیده است  
ولی هیچ زنی باندازه زینب کبری دچار بلا نشد اما او با صبر جمیل از امتحان الهی  
موفق بیرون آمد

سلام بر تو ای کسی که صبر شد حقیر تو

ندیده بعد فاطمه جهان زنی نظیر تو

ای زینبی که محنت عالم کشیدهای

غیر از بلا و درد به عالم چه دیدهای؟

\*\*\*

یارب زنی و این همه استواری و علو

چون زینب صبور مگر آفریده‌های؟

اما اکثرا صبر ندارند لذا خطر از دست دادن ایمان آنها را تهدید می کند.

خانمی که پسرش را از دست داده بود کفر می گفت!

پدر و مادری که پسرشان را از دست داده بودند دیگر نماز را ترک کردند و..

و هزاران مورد که بعد آمدن بلا، ایمان خود را از دست دادند.

**دومین وظیفه شکر الهی** است. شکر از این جهت که خدا متوجه انسان شده و او را امتحان می کند

**چرا پیرزن از عیسی نزد خدا محبوب تر بود؟**

وقتی حضرت عیسی علیه السلام از خداوند درخواست کرد کسی را به او نشان دهد که نزد خدا محبوب تر از او باشد، خداوند عیسی را به پیرزنی که در کنار دریا زندگی می کرد راهنمایی نمود. وقتی عیسی علیه السلام به سراغ آن خانم آمد، دید در خرابه ای زندگی می کند و با بدنی فلج و چشمانی نابینا در گوشه ای رها شده است. وقتی حضرت عیسی علیه السلام جلوتر رفت ودقت کرد، دید پیرزن مشغول ذکر است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الْمُجْمِلِ الْكَرِيمِ»

خدایا شکر که نعمت دادی، کرم کردی، زیبایی دادی، کرامت دادی.

حضرت عیسی علیه السلام تعجب کرد که او با این بدن فلج که فقط دهانش کار می کند، چرا چنین ستایش می کند؟ با خود گفت که او از اولیای خداست و من بی اجازه وارد خرابه شدم؛ برگردم، اجازه بگیرم و بعد داخل شوم. به دم خرابه بازگشت و گفت: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّةَ اللَّهِ» پیرزن گفت: «وَعَلَيْكَ السَّلامُ يَا رُوحَ اللَّهِ». عیسی پرسید: خانم! مگر مرا می بینی؟

گفت: نه. پرسید: پس از کجا دانستی که من روح الله هستم؟ پیرزن گفت: همان خدایی که به تو گفت مرا ببین، به من هم گفت چه کسی می آید. عیسی با اجازه آن خانم وارد خرابه شد و پرسید: خداوند به تو چه داده است که این قدر تشکر می کنی؟ تشکر تو برای چیست؟ پیرزن گفت: یا عیسی، آن چه به من داده بود از من گرفت، آیا همین طور پس گرفته است؟ آیا وقتی می خواست آن را از من بگیرد به من نگاه نکرد؟ عیسی گفت چرا نگاه کرد. پیرزن گفت همین برایم کافی است...

**سومین وظیفه در هنگام نزول بلاها، دعا و تضرع در پیشگاه الهی است.**

در روایت است که لایرد البلاء الا الدعاء

فقط دعا بلا را برمی گرداند.

قالَ الْأَمَامُ السَّجَّادُ (عليه السلام): «إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاهِيمًا. الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ  
«النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ»

قالَ الْأَمَامُ السَّجَّادُ (عليه السلام): «إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاهِيمًا. الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ  
«النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ»

امام سجاد (ع) فرمودند: به راستی که دعا، بلا را برگرداند، آن هم بلای حتمی را. دعا بلایی را که نازل شده و آنچه را نازل نشده دفع می کند.

در داستان حضرت یونس است که وقتی مردم گوش به حرف پیامبرشان ندادند و او نفرین کرد و آثار عذاب ظاهر شد. ناگاه مردم از خواب بیدار شدند و شروع به تضرع در پیشگاه الهی کردند خدا هم به آنها رحم کرد و عذاب را برگرداند.

آیات و دعا‌های توصیه شده از پیامبر و ائمه معصوم (ع)

دعای دفع بلا از پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) فرمود

هر که این دعا را در هر صبح و شام بخواند، حق تعالی چهار فرشته بر او بگمارد که او را از پیش رو و پشت سر و جانب راست و طرف چپ حفظ کنند و در امان خدای عزوجل باشد و اگر آفریدگان از جنّ و انس بکوشند که بر او زیانی برسانند توفیق نیابند

و آن دعا این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ

بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَ نَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دِينِي وَ عَقْلِي

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعْزُ وَ أَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطٰنٍ شَدِیْدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَیْطٰنٍ مَّرِیْدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ وَ مِنْ شَرِّ قَضَآءِ السُّوْءِ

وَ مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ اَنْتَ اَخِذُ بِنَاصِیَّتِهَا اِنَّكَ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ وَ اَنْتَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ اِنَّ وَلِیَّیَ اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ یَتَوَلّٰی الصّٰلِحِیْنَ

بحار الأنوار، (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ)؛  
ج83، ص314

از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند

هر کس با ایمان سه آیه از اول سوره مبارکه انعام را در صبح با نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بخواند حق سبحانه و تعالی هفتاد هزار ملک موکل کند که آن را از بلیات نگاه دارند و بنویسند برای او مثل اعمال هفتاد هزار ملک

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّوْرَ ثُمَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ «  
یَعْدِلُوْنَ»

هُوَ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ طِیْنٍ ثُمَّ قَضٰی اَجَلًا وَاَجَلَ مُّسَمًّی عِنْدَهٗ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُوْنَ

وَهُوَ اللّٰهُ فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ یَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَیَعْلَمُ مَا تَكْسِبُوْنَ» (آیات 1 تا 3  
(سوره انعام)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که هر که در صبح هفت مرتبه بخواند این دعای  
دفع بلا را در آن روز از بلاها محفوظ باشد

قَالَ اللَّهُ خَيْرُ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى «  
الصَّالِحِينَ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»؛  
(بحار الأنوار، ج 83، ص 298)

### بلاها نعمت هستند...

در روایات آمده که انسان مومن نمیشود مگر اینکه بلا را نعمت بداند.

زیرا با صبر بر بلا انسان به درجات بالای نزد خداوند مهربان می رسد. به خدا تقرب پیدا می کند. گناهانش پاک می شود و.....

وقتی پسر طلبه ایه الله ملکی تبریزی در روز عید غدیر از دنیا رفت ایشان فرمود  
حضرت امیر به ما عیدی داد.

وقتی ایه الله سید مصطفی خمینی از دنیا رفت حضرت امام فرمود رحلت سید  
مصطفی از الطاف خفیه الهی است...

پیامبر فرمود مریضی تحفه الهی است تا انسان از غفلت بیرون بیاید.

## بلاها امتحانات الهی هستند....

یکی از حکمت‌های بلا این است که خداوند با سختیها و بلاها بندگانش را آزمایش می‌کند و در این آزمایش تنها کسانی که صبر پیشه می‌کنند پیروز و رستگار هستند. پروردگار متعال می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ [1] «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و...! بشارت ده به استقامت‌کنندگان».

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگویان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» [2]؛ «و به تحقیق کسانی که قبل از آنها بودند را نیز امتحان کردیم، پس خداوند هم کسانی که صادق هستند و هم دروغگویان را مشخص و معلوم می‌کند».

موارد زیر از آیات و روایات بدست می‌آید

الف. آزمایش‌های الهی همگانی است و مختص گروه خاص نیست. همه انبیا و اولیای الهی در معرض آزمایش‌های الهی قرار گرفته‌اند. قرآن مجید با اشاره به امتحان عمومی انسانها می‌فرماید «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ [3] «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم» به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

ب. امتحانات الهی به طرق مختلف صورت می‌پذیرد، چنانچه حضرت آدم(ع) با دستور نزدیک نشدن به درخت ممنوعه، و حضرت ابراهیم(ع) با امر به ذبح فرزند، و برخی با خیر و شر، [4] مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگویان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد

در روایت است که امام محمد باقر(ع) نقل می فرماید: «دو فرشته از آسمان به زمین فرود آمدند، در بین هوا به هم رسیدند، یکی از آنها به دیگری گفت: برای چه فرود می آیی؟

گفت: خداوند عزوجل مرا به طرف دریای اهل ایل فرستاده، تا ماهی ای را صید نموده و به یکی از ستمکاران برسانم، چه آنکه وی از خداوند متعال ماهی این دریا را تقاضا و درخواست نموده است. از اینرو حق جلّ و اعلیٰ مرا مأمور ساخته، نزد صیّادی که ماهیهای آن دریا را صید می کند رفته، و او را به صید ماهی دریای مزبور ترغیب کنم تا بدین ترتیب، حق عزوجلّ آن ستمکار و کافر را به منتهای آرزویش برساند.

سپس او به رفیقش گفت: تو برای چه فرستاده شدی؟

گفت: خداوند عزوجلّ مرا برای امری عجیب تر از آنچه ترا به آن مبعوث نموده فرستاده است. من مامورم به سراغ بنده مؤمنش که روزه دار و قائم اللیل است و دعاء و روزه اش در آسمان معروف و مشهور می باشد، بروم و ظرف غذایی را که وی پخته و برای افطارش آماده کرده واژگون نمایم تا [بدین وسیله، آزمایش نهایی ایمان او صورت گرفته باشد].<sup>5</sup>

ج. صبر و استقامت، استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی، و توجه به این حقیقت که همه حوادث در پیشگاه خداوند رخ می دهد و او از همه چیز آگاه است، رمز پیروزی در امتحانات الهی است.

## انواع آزمایش

قرآن کریم برخی از آزمایشهای الهی را که در مورد اقوام گذشته به عمل آمده اینگونه معرفی می نماید:

### 1. امتحان عقیدتی

در یکی از جنگها که دشمن به مدینه حمله کرده بود، مسلمانها تحت فشار شدید قرار گرفتند؛ به نحوی که به خداوند متعال بدگمان شدند. در قرآن، خداوند این امر را ابتلایی برای مؤمنین محسوب می کند و پس از آن می فرماید که شما آنچنان از حیث اعتقادات در معرض خطر قرار گرفتید که

اگر دشمنان بر شما چیره می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به شما می دادند می پذیرفتید. خداوند حکیم می فرماید: «إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ... وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوَّهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرٌ»؛ [6] «[به خاطر بیاورید] زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین [شهر] بر شما وارد شدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند ... [آنها چنان بودند که] اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می کردند می پذیرفتند و جز مدت «کمى [برای انتخاب این راه] درنگ نمی کردند

پس از آن که حضرت موسی (ع) برای مناجات با پروردگار، به کوه طور رفت، راز و نیاز او از سی شب، به چهل شب افزایش یافت، به این وسیله قوم او مورد آزمایش قرار گرفتند؛ ولی نتوانستند از این امتحان سربلند بیرون آیند؛ چراکه شرک، در بدترین صورتش دامن بنی اسرائیل را گرفت. قرآن کریم با بیان این مطلب می فرماید

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ»؛ [7] «گفت ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و «!» سامری آنها را گمراه ساخت

مهم تر آنکه قبل از این آزمایش، هارون جانشین حضرت موسی (ع) آن مردم را از چنین امتحانی مطلع ساخته بود؛ ولی آنها توجه نکرده و به پیروی از سامری به گوساله پرستی روی آوردند.

## 2. امتحان مالی

قرآن کریم در آیات متعدد به این آزمایش الهی اشاره می کند: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ»؛ [8] «اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد [مغرور می شود و] می گوید:

«پروردگارم مرا گرامی داشته است! و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد»! [مایوس می شود و] می گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است»

امام صادق (ع) می فرماید: «مَا بَلَى اللَّهَ الْعِبَادَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ»؛ [9] خدواند بندگان را به چیزی مبتلا نکرده که سخت تر از انفاق درهم باشد».

### 3. امتحان جانی

تاریخ گویای آزمایش بسیاری از انسانها در جنگها بوده است. امتحانات الهی در جنگها انسانهای مومن را از صف منافقان و ریاکاران جدا نموده است. مروری بر جنگها از صدر اسلام تا کنون، نشانگر آن است که برخی، تا زمانی ایمان دارند که کوچک ترین خطری آنان را تهدید نکند و برخی منافع مالی را بر یاری امام حسین (ع) ترجیح می دهند و برخی غنایم جنگی را بر دستور رسول خدا (ص) مقدم می دانند. خلاصه آنکه ترس از جبهه و جنگ، محاصره اقتصادی، کشته شدن عزیزان، و... موارد آزمایش افراد در جنگها بوده است. خداوند متعال در سوره محمد (ص) با بیان اینکه؛ اگر ما بخواهیم می توانیم دشمنان را مجازات نماییم، جنگ را سبب آزمایش افراد معرفی کرده می فرماید وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ؛ [10] «و اگر خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد؛ اما می خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید».

### 4. امتحان خانوادگی

قرآن مجید همسر و فرزندان را امتحان الهی دانسته، می فرماید

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»؛ [11] «اموال و فرزندان شما فقط وسیله آزمایش هستند».

بسیاری از کسانی که به ظاهر، پای بند به امور دینی و مسائل اخلاقی هستند، به هنگامی که پای فرزندان به میان بیاید گویی پرده ای بر افکارشان می افتد و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی و عدالت، به دست فراموشی سپرده می شود. عشق به فرزند سبب می شود که حرام را حلال، و حلال را حرام بشمارند و برای تامین آینده خیالی او تن به هر کاری داده و هر حقی را زیر پا بگذارند؛ باید

خود را در این میدان بزرگ امتحان، به خدا بسپاریم و به هوش باشیم که بسیار کسان، در این میدان لغزیده و سقوط کرده و نفرین ابدی را برای خود فراهم ساخته اند.

امام علی (ع) می فرماید: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَلَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَتْ عَلَيْهِ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاخِطُ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ» [12] کسی از شما نگوید خدایا از فتنه به تو پناه می برم! چه هیچکس نیست مگر اینکه در فتنه ای است، لیکن آنکه پناه خواهد از فتنه های گمراه کننده [به خداوند] پناه برد که خدای سبحان فرماید: «بدانید که مال و فرزندان شما فتنه است» و معنی آن این است که خدا آنان را به مالها و فرزندان می آزماید تا ناخشنود از روزی وی، و خشنود از آنرا آشکار نماید.

## 2. شکوفایی و تکامل

شکوفا شدن استعداد های نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمت های مصایب است؛ استعدادهایی که در آرامش و آسایش شناخته نمی شوند. چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «وَفِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ». «جَوَاهِرُ الرَّجَالِ» [13] در دگرگونی احوال گوهر مردان معلوم شود.

امام جعفر صادق (ع) در کلامی گهربار می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةُ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ فَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ فِي جَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ بِمَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِي وَلَدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبَرَ بَلَّغَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا» [14] [ممکن است] برای بنده ای در نزد خدا درجه و رتبه ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی رسد، پس خداوند او را به بلا و مصیبتی در بدن و یا مال و یا مصیبت فرزند مبتلا می سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خداوند او را به آن درجه برساند.

در برخی روایات، به درجاتی از بهشت اشاره شده که راه رسیدن انسان مؤمن به آن فقط با سختی و تحمل بلا میسر می شود. چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلَ لَا يَنَالُهَا الْعِبَادُ بِأَعْمَالِهِمْ لَيْسَ لَهَا عَلاَقَةٌ مِنْ فَوْقِهَا وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا» [15] در بهشت منزلگاههایی است که نه به

چیزی آویزان است و نه تکیه گاهی در زیر دارد [بلکه معلق است] و بندگان با اعمال خود نمی توانند  
«به آنها دست یابند».

کسی از آن حضرت پرسید: صاحبان این منزلها چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: «هُمْ أَهْلُ الْبَلَاءِ  
» وَ الْهُمُومُ؛ [16] آنها اهل بلاها و رنج ها هستند

شهید مطهری در کتاب عدل الهی می فرماید: «در شکم گرفتاریها و مصیبتها، نیک بختیها و سعادتها  
نهفته است، همچنان که گاهی هم در درون سعادتها، بدبختیها تکوین می یابند و این، فرمول این  
جهان است: «يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ»؛ [17] «خدا شب را در [شکم] روز فرو می  
برد و روز را در [شکم] شب

ضرب المثل معروفی است که می گوید: پایان شب سیه سپید است. این ضرب المثل تلازم قطعی بین  
تحمل رنج و نیل به سعادت را بیان می کند، گویی سپیدیها از سیاهیها زاییده می شوند. قرآن کریم  
برای بیان تلازم سختیها و آسایشها می فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ [18] «پس حتما با  
«سختی، آسانی است، حتما با سختی آسانی است

فرمایش قرآن این نیست که بعد از سختی، آسانی است؛ بلکه این است که با سختی، آسانی است؛  
«یعنی آسانی در شکم سختی و همراه آن است

ایشان در ادامه با بیان اینکه مصیبتها و شدائد برای تکامل بشر ضرورت دارند و اگر محنتها و رنجها  
نباشد بشر تباه می گردد، می فرماید: «تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این  
شلاق، راه خود را به سوی کمال می پیمایند. این قانون، در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان،  
[صادق است]» [19]

امیر المؤمنین علی (ع) در یکی از نامه های خود که به عثمان بن حنیف - فرماندار خویش در بصره -  
نوشته اند، این قانون بیولوژیک را گوشزد می کنند که: «در ناز و نعمت زیستن و از سختیها دوری  
گزیدن، موجب ضعف و ناتوانی می گردد، و برعکس، زندگی کردن در شرایط دشوار و ناهموار،  
آدمی را نیرومند و چابک می سازد و جوهر هستی او را آبدیده و توانا می گرداند». این پیشوای

بزرگ در این نامه، فرماندار خود را نکوهش می کند که چرا در مجالس شب نشینی اشراف شرکت کرده و در محفلی که بینوایان را در خود پذیرفته و تنها ثروتمندان را در خود جای داده است گام نهاده است، و به همین مناسبت، زندگی ساده خویش را شرح می دهد و از پیروان خود - و مخصوصاً کارگزاران حکومت خود- می خواهد که به شیوه او تأسی جویند.

آنگاه برای بستن راه بهانه جوئی توضیح می دهد که شرایط ناهموار و تغذیه ساده، از نیروی انسان کم نکرده و قدرت را تضعیف نمی کند. درختان بیابانی که از مراقبت و رسیدگی مرتب باغبان، محروم هستند چوبشان محکم تر و دوامشان بیش تر است و بر عکس، درخت باغستانها که دائماً مراقبت شده و باغبان، به آنها رسیدگی می کند، نازک پوست تر و بی دوام ترند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالنَّابِتَاتِ الْعَذِيَّةَ أَقْوَى وَقُوداً وَأَبْطَأُ خُمُوداً؛ آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت تر، و درختان کنار جویبارها، پوستشان نازک تر است. درختان بیابانی که با [باران سیراب می شوند آتششان شعله ورتر و بادوام تر است.]» [20]

### 3. حفظ و تقویت ایمان

یکی دیگر از محاسن بلا و مصیبت، حفظ و تقویت ایمان است. چنانچه رسول خدا(ص) فرمود: «جبرئیل گفت که خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَلَوْ أَغْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى وَلَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَلَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَلَوْ أَسْقَمْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنِّي أَدَبُّ عِبَادِي بِعِلْمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [21] در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که به جز فقر و تهیدستی چیزی ایمانش را اصلاح نمی کند که اگر ثروتمندش نمایم، همین ثروت موجب فساد و تباهی ایمانش می شود. و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با ثروت، ایمانش اصلاح نمی شود و اگر تهیدستش نمایم، فقر و تهیدستی باعث فساد و تباهی ایمانش می گردد. و در میان بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با مریضی، ایمانش اصلاح نمی گردد و اگر جسمش را سالم کنم همین

سلامتی، ایمانش را از بین می برد و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با سلامتی و صحت، ایمانش اصلاح نمی شود که اگر مریضش کنم، همین مریضی، ایمانش را تباه می کند. من بواسطه «علمی که به درون و قلوب بندگانم دارم [امور] آنها را تدبیر می کنم. بدرستی که من دانا و آگاهم قرآن کریم با اشاره به این مطلب می فرماید: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ [22] چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می داند و شما نمی دانید».

#### 4. پیشگیری و درمان

با بررسی آیات و روایات ائمه معصومین: به خوبی مشاهده می شود که بسیاری از بلاها جنبه پیشگیری و درمان دارند؛ چنانچه گاه، بلایی بنده را به پیش رانده و یا او را از انجام کاری که به مصلحت نیست، باز می دارد و یا خطا و انحرافی را جبران می کند و گاه بلا، در حکم هشدار است که انسان را از خطر باز می دارد.

شکوفای شدن استعدادهای نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمت‌های مصایب است

#### الف: هشدار

قرآن مجید درباره اثر هشدار دهندگی برخی بلاها چنین می فرماید: «وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ [23] «به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب...». «بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید باز گردند».

و نیز می فرماید: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ»؛ [24] هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ اما «هنگامی که نعمتی از خود، به او عطا کند، آنچه را بخاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد».

پس؛ سختی و زیان، موجب می شود که انسان متوجه خدای خود شده و به راز و نیاز با او بپردازد. همه ما چنین اثری را تجربه کرده ایم که در سختیها بیش تر به خداوند روی می آوریم. قرآن کریم با اشاره به این مطلب، در مورد برخی افراد می فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» [25] «هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند [و غیر او را فراموش می کنند]؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز » . [مشرک می شوند! و خدا را فراموش می کنند

امام علی (ع) در خطبه 143 نهج البلاغه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتَوَبَّ تَائِبٌ وَ يُقْلَعَ مُقْلَعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ؛ خداوند بندگان خود را هنگام ارتکاب گناه، با کمبود میوه ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنجهای خیرات، مبتلا می سازد؛ برای آنکه، توبه کننده ای باز گردد و [دل] کننده ای [از «گناه»]، [دل] بکند، و پند گیرنده ای، پند گیرد، و باز دارنده ای [بندگان خدا را از نافرمانی] باز دارد

ذکر این نکته ضروری است که بلاها تنها برای هشدار دادن به خود بلا دیده نیست، بلکه دیگران نیز باید با دیدن و شنیدن بلا و مصیبتی که برای دیگران فرود آمده، هشیار شوند و بدانند این برنامه ها مختص به افراد خاص نیست، و ممکن است هر زمان، گریبان افرادی را گرفته و آنان را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد.

بنابراین لازم است انسان، مصیبتهای دیگران را هشدار برای خود نیز بداند و از آن عبرت بگیرد.

## ب: جبران

جبران خطاها و گناهان انسان مؤمن، علتی دیگر بر بلاهایی است که بر او وارد می شود. رسول مکرم اسلام (ص) با بیان این نکته که؛ برخی گناهان جز به وسیله بلا و سختی جبران نمی شود، می فرماید: «إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَ بِهَا عَنْهُ» [26] هر گاه گناهان مومن زیاد گردند، و عمل [نیکی] نداشته باشد که کفاره آنها باشد، خداوند او را گرفتار » . «پریشانی و اندوه می کند تا کفاره گناهان او باشد

حضرت علی (ع) نیز می فرماید: «مَا مِنَ الشَّيْعَةِ عَبْدٌ يُقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تَمْحُصُ بِهَا ذُنُوبُهُ إِمَّا فِي مَالٍ أَوْ فِي وَلَدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يُلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا لَهُ ذَنْبٌ وَإِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيُشَدَّدُ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ» [27] اگر بنده ای از شیعیان، گناهی که ما او را از آن نهی کرده ایم مرتکب شود، قبل از اینکه از دنیا برود به یک گرفتاری مبتلا می شود که گناهانش بوسیله آن گرفتاری پاک گردد. [این گرفتاریها] یا در مال و یا در فرزند و یا در خودش [ظاهر] می گردد. تا هنگامی که خداوند را ملاقات کند، برایش گناهی نباشد و اگر گناهی از وی باقی مانده «...[باشد هنگام مرگ، بر وی سخت گرفته می شود تا گناهانش آمرزیده گردد

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَجِدْ مَا يُكْفِّرُهَا بِهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحُزْنِ فِي الدُّنْيَا لِيُكْفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا اسْقَمَ بَدَنُهُ لِيُكْفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا شَدَّدَ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِيُكْفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ إِلَّا عَذَّبَهُ فِي قَبْرِهِ لِيُلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ» [28] چون گناهان بنده بسیار شود و نیابد چیزی را که جبران گناهان او را کند، خدا او را به اندوه در دنیا گرفتار سازد تا کفاره گناهان او گردد، پس اگر چنین کرد [خوب است] و گر نه بدنش را بیمار می کند تا گناهانش را بپوشاند، پس اگر چنین کرد [خوب است] و الا هنگام مرگش بر او سخن می گیرد تا به این وسیله گناهانش پاک شود، پس اگر چنین نمود [خوب است] و گر نه او را در قبرش عذاب می کند تا اینکه در روز قیامت که خدا را ملاقات می کند، در حالی ملاقاتش کند «...که چیزی از گناهانش که بخواهد بر ضرر او گواهی دهد باقی نمانده باشد

یکی از اصحاب به نام قبیصه بن برهه می گوید: «من نزد پیامبر خدا (ص) نشسته بودم که زنی خدمت حضرت آمد و گفت: یا رسول الله به درگاه خدا برای من دعا فرمایید؛ زیرا فرزندانم می میرند. حضرت فرمود: تاکنون چند فرزندت مرده اند؟ آن زن گفت: تا به حال سه فرزندم مرده اند. حضرت فرمود: از آتش جهنم بازداشته و ممنوع گردیدی و فرزندان را برای تو پناهگاه استوار و محکمی هستند و ترا از آتش جهنم حفظ می کنند.» [29]

امام علی (ع) بیماری کودکان را کفاره گناهان پدر و مادر آنها معرفی کرده، می فرماید: «فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ فَقَالَ كَفَّارَةُ لَوْلَدَيْهِ» [30] بیماری که به کودک می رسد، کفاره و پاک کننده [گناه].  
«والدین اوست».

### ج: تادیب

دستورهایی از اولیای دین، به ما رسیده که انجام آنها واجب نیست؛ اما ترک کردنش، مانع کمال و رسیدن به درجات عالی است. چنین مواقعی - مانند معلم که از دانش آموز خوب و درسخوان، بیش تر توقع دارد و در صورت کوتاهی اندک، او را مورد تادیب قرار می دهد - خداوند رحیم و مهربان بندگان مؤمن و صالح را به خاطر کم ترین اشتباه، تادیب می کند تا پیمودن راه کمال در آنها کُند نشود. چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «و چه بسا! برخی از شیعیان ما، در آغاز کار، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را فراموش می کنند و وا می گذارند! در نتیجه؛ خدا به گرفتاری و بلا، دچارشان می کند، برای اینکه آگاه و بیدارشان سازد! تا شکر و ثنای او را بجای آورند. و در آن گرفتاری و بلا، لگه». «!نگ و تقصیر و کوتاهی آنان را [به هنگام ترک بسم الله] بزداید».

در ادامه، آن حضرت به این داستان اشاره می کند: «عبدالله بن یحیی، به حضور امیر المؤمنین (ع) وارد شد، و در مقابلش صندلی بود، امیر المؤمنین (ع) به او دستور نشستن داد، و او هم، روی آن نشست. [ناگهان] صندلی، کج شد! و با سر [به زمین] فرود آمد و [سرش شکست] و استخوان سرش اندکی نمایان شد و خون، جاری گشت! امیر المؤمنین (ع) دستور داد آب آوردند و خون را از سر او شست. آنگاه فرمود: نزدیک من بیا. نزدش آمد

!دست خویش را بر آن [زخمی] که استخوانش نمایان بود، گذاشت، عبدالله از درد بیتاب شد

حضرت بر آن، دست مالید و آب دهان انداخت. به مجرد این کار، زخمش خوب شد! آنچنان که گویی -اصلاً!- جراحی به او نرسیده است

امیر المؤمنین (ع) فرمود: ای عبدالله! حمد و ستایش برای خداوندی است که پاک کردن گناه شیعیان ما را [در دنیا] به رنج و محنتشان قرار داده است تا فرمانبری و طاعت آنان را، برایشان، بی آرایش و سالم گرداند، و مستحق اجر و ثواب آن گردند.

در برخی روایات، به درجاتی از بهشت اشاره شده که راه رسیدن انسان مؤمن به آن فقط با سختی و تحمل بلا میسر می شود

عبدالله بن یحیی گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا به راستی؛ ما به گناهانمان مجازات نمی شویم، جز در دنیا؟! فرمود آری! [همین طور است] آیا نشنیدی که رسول خدا(ص) فرمود: «دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر؟»

خدا شیعیان ما را [به خاطر محنت و رنجی که در این دنیا متحمل اند، و به خاطر آمرزشی که نصیب آنان فرموده است] حتما از گناهان، پاک و پاکیزه می گرداند! از این جهت است که خدا می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»؛ [31] «هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند.» تا هنگامی که به روز رستاخیز وارد شدند، طاعات و عباداتشان بر آنها، سرشار گردد؛ اما اگر از دشمنان محمد(ص) و دشمنان و بدخواهان ما [کار خیری سر بزنند] به فرمانبری و طاعتی که از آنان سر زده است، در دنیا، پاداش و جزا می دهد اگر چه طاعتشان بی وزن و بی ارزش است؛ چون خلوصی همراهش نیست. تا هنگامی که به آستان رستاخیز در آمدند، گناه و کینه خود [که از محمد و آل محمد: و یاران خوب او، در دل داشتند] بر آنان بار گردد و به خاطر آن، در آتش افکنده شوند.

:و هر آینه شنیدم: محمد(ص) می فرماید

در زمانهای گذشته دو نفر بودند، یکی از آنها مطیع و مؤمن خدا بود و دیگری کافر - که آشکارا به «دشمنی دوستان او، و دوستی با بدخواهان و دشمنانش، می پرداخت - و برای هر کدام (از این فرد مؤمن و کافر)، فرمانروایی و سلطنت عظیمی در گوشه ای از زمین بود

روزی آن کافر بیمار شد، و در غیر وقتش هوس ماهی کرد، چون آن نوع ماهی، در آن هنگام، در جایی وجود داشت که بدست آوردنش امکان نداشت، بنابراین، پزشکان او را از زندگی ناامید کردند و گفتند:

جانشین و قائم مقامت را معین کن، که تو از اهل گورستانی و مرگت حتمی است و فقط شفایت در این ماهی است، که به آن میل و اشتها داری و بر آن [نیز] راهی نیست

در این هنگام خدا فرشته ای برانگیخت، و به او فرمان داد که آن ماهی را از جایش برانگیزد و به طرفی سوق دهد که به دست آوردنش آسان شود. در نتیجه ماهی برایش گرفته شد. و آن را خورد و از ناخوشی بهبودی یافت. و در فرمانروائیش سالهای سال - بعد از آن - به جای ماند

سپس - تقدیر الهی - چنین واقع شد که آن پادشاه مؤمن نیز مریض شد - همانند مرض آن کافر - و آن ماهی را درخواست نمود، پزشکان همان ماهی را برای او تجویز کردند که در محل پادشاهی او به راحتی قابل دسترس بود. در نتیجه پزشکان به پادشاه گفتند: آسوده خاطر باش، اکنون وقت آن است که برایت بگیرند، و از آن بخوری و شفا یابی

در این هنگام، خدا آن فرشته را برانگیخت، و به او فرمان داد که جنس آن ماهی را از سواحل کرانه ها و گردابها براند، تا دسترسی به آن ممکن نشود. در نتیجه [آن ماهی] بدست نیامد. و آن مؤمن، بخاطر هوس [و دوری از درمانش] از دنیا رفت. از این جریان، فرشتگان آسمان و اهل آن سامان - در زمین - به شگفتی فرو رفتند؛ تا آنجا که نزدیک بود در فتنه قرار گیرند؛ چون خدای تعالی - از روی فضل و حکمتش - بر آن کافر، آنچه را که بر او راهی نبود، آسان گردانید. و بر آن مؤمن، آنچه را که به سادگی، بر آن راهی بود، غیر ممکن گردانید. آنگاه خدا، به فرشتگان آسمان و پیامبر آن زمان - در زمین - وحی فرمود: البته من - بدون هیچ شک و شبهه ای - منم خدای کریم تفضل کننده توانا. آنچه عطا کنم، زیانم نرساند و آنچه باز دارم، از من نکاهد و مقدار [ذره ای] به کسی ستم نکنم

اما کافر؛ برای او، بدست آوردن ماهی را - در غیر زمانش - آسان نمودم، جهتش تنها این بود که جزای حسنه ای باشد که وی عمل کرده بود - ؛ چون بر من حق است که از هیچ کس، حسنه ای از

بین نبرم - تا به رستاخیز در آید. و هیچ حسنه ای در نامه عملش نباشد و به کفر خویش، داخل آتش گردد. و بنده مطیع [خودم] را عین آن ماهی، باز داشتم؛ بسبب خطائی که از او سر زده بود و با منع و ردّ آن میل و هوس و از بین بردن آن دارو، پاک شدنش را از آن، اراده نمودم. و خواستم که به [آستان] من بیاید و [جرم و] گناهی در او نباشد و [پاک و پاکیزه] داخل بهشت گردد.» در این هنگام؛ عبدالله بن یحیی گفت

یا امیرالمؤمنین! به حقیقت، بال و پرم دادی و مرا تعلیم فرمودی، پس اگر صلاح بدانی، گناهم را در اینجا - که به آن امتحان شدم - معرفی کنی تا همچنان تکرارش نکنم

فرمود: لحظه ای که نشستی، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نگفتی! نتیجه این شد که بخاطر سهو و نسیان از آنچه به آن دعوت گشتی و خوانده شدی، خدا به این مصیبت و گرفتاریت، تمحیص و پاکی از گناه قرار داد. آیا ندانستی که رسول خدا(ص) از جانب خدای عزّوجلّ فرمود

یکی دیگر از محاسن بلا و مصیبت، حفظ و تقویت ایمان است

[هر کار قابل توجه که در آن یادی از بسم الله نشود، ناقص و بریده است.]»[32]

.گفتم: آری، پدر و مادرم فدای شما. بعد از این، ترکش نمی کنم

[فرمود: در این صورت: از آن، بهره مند و سعادت‌مندی.]»[33]

پی نوشت ها

1. بقره / 155

2. عنکبوت / 3 .

3. عنکبوت / 2

4.

(وَبَلَّوْا كُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً؛ «و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم» (انبیاء / 35)»

5. علل الشرائع، شیخ صدوق، قم، انتشارات داوری، اول، ج 2، ص 465
6. احزاب / 10
7. طه / 85
8. فجر / 15 – 16
9. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 70، ص 139
10. محمد / 4
11. تغابن / 15
12. نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، 1384، قصار 93
13. کافی، شیخ کلینی، ج 8، ص 23
14. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 68، ص 94
15. همان، ج 78، ص 193
16. عده الداعی، ابن فهد حلی، دارالکتب الاسلامی، اول، ص 255
17. حدید / 6
18. شرح / 5 – 6
19. برگرفته از کتاب عدل الهی، مرتضی مطهری، ص 154 – 157
20. نهج البلاغه، نامه 45
21. توحید، شیخ صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1398 هـ ق، ص 400
22. بقره / 216

23. سجده / 21

24. زمر / 8

25. عنكبوت / 65

26. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج 7، ص 157

27. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، موسسه آل البيت: 1408 هـ . ق، ج 2، ص 53

28. امالی، شیخ صدوق، قم، انتشارات اسلامی، 1362 هـ . ش، ص 294

29. مستدرک الوسائل، ج 4، ص 397

30. کافی، شیخ کلینی، ج 6، ص 52

31. شوری/30

32. «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَّا يُذَكَّرُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَثَرٌ»

33. تفسیر امام عسکری 7، امام حسن عسکری 7، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی 4، اول، 1409 هـ ق، ص 22-25<sup>6</sup>

<sup>6</sup> "بلاهاو مصائب از دیدگاه اسلام/83943/6961/2689/View/Magazine/fa/hawzah.net

علت اصلی بلاها اعمال بد ما می باشد....

داستانهایی واقعی است که نشان می دهد گرفتاری هایی که برای ما پیش می آید علت اصلیش ظلم ها و گناهان ما می باشد که ما در اینجا به بعضی از این داستان ها اشاره می نمایم:

یکی از علت های نزول بلا

امام سجاد(ع)، به اهل و عیال خود سفارش می کردند: «هیچ سائلی از مقابل خانه من نمی گذرد □ ﴿١٧٧﴾  
«مگر اینکه اطعامش کنیم

:گاهی به ایشان اعتراض می کردند

«!ولی هر سائلی که واقعا محتاج نیست»

امام سجاد(ع) پاسخ می دادند: «بیم آن دارم که بعضی از آنها مستحق باشند و ما نیز با رد کردن مستحق، به بلایی که بر حضرت یعقوب نازل شد مبتلا شویم. حضرت یوسف، آن خواب معروف را همان شبی دید، که یعقوب، سائل مستحق را اطعام نکرد. آن شب یعقوب و خانواده اش سیر خوابیدند ولی سائل، گرسنه بود

:به همین دلیل خداوند فرمود

ای یعقوب! چرا به بنده ام رحم نکردی؟! به عزتم سو گند تو را به مصیبت پسرانت مبتلا خواهم «  
».کرد

علل الشرايع جلد 1